

اصغر جیلو  
عیار اصالت در نگاه مدافعین کتاب "حماسه سیاهکل"؟

• بعد از انتشار کتاب "حماسه سیاهکل" هرچه زمان گذشته بر حجم سوالات و مجهولات در مورد این اثر افزوده شده است. مدافعین انتساب این کتاب به حمید اشرف تاکنون نه تنها پاسخی درخور به این سوالات نداده اند بلکه هر باری هم که در صد دفاع از ادعای خویش بر آمده اند، موجب انگیزش سوالات مشروع دیگری شده اند ...

اخبار روز: [www.akhbar-rooz.com](http://www.akhbar-rooz.com)  
شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۹۵ - ۱۸ مارس ۲۰۱۷

بعد از انتشار کتاب "حماسه سیاهکل" هرچه زمان گذشته بر حجم سوالات و مجهولات در مورد این اثر افزوده شده است. مدافعین انتساب این کتاب به حمید اشرف تاکنون نه تنها پاسخی درخور به این سوالات نداده اند بلکه هر باری هم که در صد دفاع از ادعای خویش بر آمده اند، موجب انگیزش سوالات مشروع دیگری شده اند. تا حدی که من مسایل مرتبط با این کتاب را در مصاحبه های رادیو همبستگی با فرخ نگهدار و ناصر مهاجر، پاسخ مکتوب انوش صالحی، مصاحبه مزدک دانشور با علی دلیل صفایی و بالاخره نوشته های مهدی سامع و ناهید قاجار، و همین آخرین نوشته فرخ نگهدار در دفاع از سندیت این اثر را تعقیب کرده ام، بر تردیدهایم در مورد اصالت این سند افزوده شده است. من هم مثل بعضی از سوال کنندگان و منتقدین این اثر تصور میکنم سوال اصلی همچنان این است که آیا نویسنده و تولید کننده این اثر خود حمید اشرف بوده، یا کسان دیگری در آن زمان و یا هم بعد آن را به هر دلیلی تنظیم کرده اند؟ سوالات مربوط به کم و کیف ردپای حمید اشرف در نوشتن این اثر، و یا تولید آن توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی برای تخریب چهره حمید اشرف، حداقل در مرحله فعلی و قبل از پاسخ به این سوال اصلی همچنان فاقد موضوعیت بوده و گمراه کننده اند. توجه به نکات زیر شاید در گشودن روزنه ای به سوی روشنایی مفید باشد.

۱- به نظر نمیرسد که در تاریخ نگاری معاصر خاطره نگاریها و روایات شفاهی که مدتها بعد از وقوع حوادث مکتوب میشوند از اعتبار و اصالت چندانی در توضیح و تبیین و تفسیر حوادث برخوردار باشند، تا چه رسد به داستان پردازیهای مخلوط از خیال و حقایق نصفه و نیمه. اگر این اصل پذیرفته شود در اینصورت اصرار بر اعتبار تاریخی داستانی که تحت عنوان حماسه سیاهکل به حمید اشرف نسبت داده میشود، خام اندیشی است.

۲- یادداشت نویسی های روزانه البته بسی بیشتر از خاطره نویسی هایی که مدتها از حدوث موضوعات آن گذشته است در تاریخ نگاری امروزی دارای اصالت اند. اگر فرض نوشته شدن این اثر را که از سوی مدافعین آن سال ۱۳۵۴ ذکر میشود بپذیریم، دیگر چنین اثری فاقد اعتبار قابل تکیه در مقایسه با اثری که بر مبنای یادداشت نویسی های روزانه تنظیم شده باشد، خواهد بود.

۳- علیرغم نکات فوق، حتی اگر این فرض را بپذیریم که این اثر توسط خود حمید اشرف، بر مبنای یادداشتهای روزانه وی در سالهای ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹، و اما بعد در سال ۱۳۵۲ یا ۱۳۵۴ نگاشته شده است، در این صورت به سوالات پرشماری که در مورد تناقضات، اطلاعات غلط و نادرست، اغتشاشات و نکات خلاف واقع بسیاری که در این اثر وجود دارد باید پاسخ هایی مشروع و قانع کننده یافت شود. هیچکدام از مدافعین این اثر تاکنون به هیچ یکی از این تناقضات و اغتشاشات پاسخ نداده اند، و متأسفانه به نظر هم نمیرسد که چنین پاسخهایی علی الاصول امکان پذیر باشند.

۴- فرخ نگهدار از مدافعین اصلیت و سندیت این اثر، چندی پیش با قوت نوشت که این اثر شاهکاری در روایت نویسی به دست حمید اشرف بوده است. اما اکنون وی به کمتر از این رضایت داده و از منتقدین این اثر میخواهد ثابت کند که ردپای حمید اشرف در این اثر وجود ندارد. قطع خوانندگان این سطور عنایت خواهند داشت که از نظریه "شاهکار در روایت نویسی به دست حمید اشرف" تا "رد ردپای وی در این نوشته" فاصله بسیاری وجود دارد.

۵- موارد متعددی از اطلاعات غلط، ناقص، ناسخ و منسوخ، خلاف واقع، و خلاف عقل سلیم و غیرمتعارف در این نوشته موجوداند، که اغلب هم با دقت در خور و شایسته ای توسط منتقدین متعدد این اثر مورد توجه قرار گرفته اند. بخش بزرگی از این موارد یا مطلقن و یا هم منطقی نمیتوانسته اند از فکر، زبان و قلم حمید اشرف تراوش کرده باشند، و این امرنه الزامن به این دلیل بوده که وی فردی هوشیار، خیره، ورزیده در کار خویش و قهرمان مبارزه آن

دوره بوده است، بلکه حتی هر شخص غیرهوشیار، مبتدی و غیرورزیده و معمولی ای هم به جای حمید اشرف می بوده؛ در چنان شرایط و فضایی آن چنان سخن نمیگفت و عمل نمیکرد که در این اثر منعکس شده است. اگر فرخ نگهدار حقیقتن سؤالات و تناقضات مطروحه در این اثر را در نوشته های مهدی سامع و علی محمد دلیل صفایی مطالعه کرده اما همچنان بر اصلیت انتساب آن به حمید اشرف اصرار میورزد، در این صورت بحث فیما بین وی و بقیه جز اتلاف وقت نتیجه ای نخواهد داشت.

۶- بسیاری در گذشته و اکنون کوشیده اند که از رهبران پیشین جنبش چریکی فدایی از جمله حمید اشرف موجوداتی فرازمینی ساخته و با تکیه بر اعتبار آنها، به مسئولیت ها، خطاها و اشتراکات بنیادی جریان فدایی با جنبش اسلام سیاسی و آن بلائی تاریخی غیرقابل جبرانی که بر سر اجتماع، فرهنگ، هنر، و طبیعت کشور آمد، و بسیاری از داشته های کشور را به تلی از خاکستر بدل نمود شانه خالی کرده، و مشروعیت افکار و اعمال دیروز و امروزین خویش را از آن نتیجه بگیرند. با تاکید باید گفت در این مورد تفاوتی اصولی و معنی داری مابین اکثر نام داران قطب های مختلف طیفهای فدایی وجود ندارد. از این منظر برای محققین بیطرف تاریخ نیم قرن اخیر کشور، اصلیت و سندیت کتاب "حماسه سیاهکل" و یا جعلی بودن بخش مهمی از اجزاء آن هیچ اهمیت اصولی نخواهد داشت. حتی اگر هم چنین استدلالی نا به جا باشد، باز هم این اثر در وضع کنونی آن در بهترین حالت حکم یک اثر مخدوش، پر از اغتشاش و اطلاعات متناقض را برای یک محقق تاریخ داشته و بنا بر این استناد به آن با قید احتیاط، و بسیار محدود و مشروط خواهد بود. اما برای فعالین سیاسی امروز این مسئله واجد اهمیت است که دریابند که این کتاب کی، چگونه، و توسط چه کسانی تنظیم و تحریر شده، چرا تاکنون در استتار مانده، و در طی حدود ۴۰ سال گذشته اکثریت نزدیک به اتفاق فعالین جنبش چریکی از وجود آن بی خبر بوده اند.